

گفتگو با

فاروق حسنی

تقاضی بزرگ و معاصر مصری. کسی که مدتها در اروپا کار و زندگی کرده است. مردی که افق ذهنی گسترده‌ای دارد و به جریانهای هنری جهان عرب و غرب علاقه‌مند است. در حال حاضر، وی در رأس وزارت فرهنگ مصر قرار دارد.

مجموعه علمی و مطالعاتی
پرتال جامع علوم انسانی

کار انداختن نیروی تخیل، چه تخیل خودم و چه تخیل دیگران سیاست فرهنگی چسورانه‌ای را به پیش ببرم و بخصوص در وزارت فرهنگ از عهدۀ انجام وظایفم در مقام یک وزیر برآیم. ذهن و استعداد و زیبایی مواد اولیه این وزارتخانه است. در مورد مسیرات فرهنگی، مسا از محصول تخیل جامعه حراست می‌کنیم. در مورد خلق آثار جدید ما با نوآورترین عناصر این جامعه، با شاعران و با کسانی که دارای تخیلی نیرومندند سرو کار داریم. از اینها گذشته با سایر رده‌ها مسؤولان حقوق بشری و طرزهای بزرگ آنی هستیم. همان طرزهایی که نباید نیازهای

■ شما تقاضای هستید که وزیر شده است، آیا این دو با هم قابل جمع است؟ فرض این است که هنرمند باید عنان تخیل و حتی فانتزی را رها کند. خلاصه به آزادی خلاصه خرد میدان دهد. حال آنکه وزیر باید اهل عمل و همچنین مدیر باشد، یعنی بتواند اهداف مشخصی را با استفاده از امکانات دولتی تحقق بخشد. می‌شود همه اینها در یک نفر جمع شود؟

— البته تضاد وجود دارد. ولی حدت و شدتش به تناسب افراد و شرایط متغیر است. من شخصا به طور طبیعی آن را حل می‌کنم. عقیده من این است که نمی‌توانم بدون به

خصوصی هنر وجود ندارند و سرمایه گذاران در قلمرو هنری فعالیتی نمی کنند و یا اگر بکنند فقط به انگیزه های کاملاً تجارتنی است و بیشتر آفرینندگان به علت نداشتن حداقل وسایل لازم فرصتی برای نشان دادن هنرشان ندارند

در این اوضاع وزارت فرهنگ چه می تواند بکند؟ همان طور که شما هم متذکر شدید در چنین شرایطی وزارت فرهنگ ممکن است تولید هنری را برنامهریزی کند، یعنی معین کند که چه زمینه هایی باید مورد تشویق قرار بگیرد و یا گسترش چه زمینه هایی مهار شود یا آنکه بعضی از جهت گیریها را بیشتر تقویت کند، خلاصه هنرمدان را مطالعه کاران جزء تلقی کند و اثر هنری را چیزی که می توان تولید آن را سفارش داد، درست مثل ساردين یا یک پارچه لورکس. به این شیوه عمل کرده اند که به فاجعه منجر شده است. کاشی در آینده از این قبیل اقدامات چیزی جز خاطره ای ناخوشایند بر جا نماند.

اما کاری که ما می کنیم و تا آنجا که من می دانم در سایر نقاط دنیا نیز هر روز رواج بیشتری می یابد این است که تلاش می کنیم وزارتخانه مکانی بیاند برای تشویق ایجاد رقابت و حمایت از آفرینش آثار هنری و در عین حال آزادی خلاقان این آثار را محترم می دارم. دخالتمان

می بیند. علاوه بر جهان آموزش، دنیای سیاست و تولید و صنعت و پول استعدادهای گوناگون و دستاوردهای فرهنگی و دیدگاههای اخلاقی یا استیکي را که فقط از جهان ادب و هنر می آیند جذب می کنند. دنیا به چسبی رسیده است که شاید دیگر نگذارد مسوالتها یا سوادپایانی ها در آنروا و فقر جان دهند.

■ بیاید از زاویه های دیگر به مسأله بنگریم: بعضی از دولتها از تشکیل وزارت فرهنگ سر باز می زنند، چون معتقدند از ادبی خلاصه را محدود می کنند و حتی شاید هنرمندان را در یک چارچوب نظامی قرار دهد. این دولتها به درستی به نمونه هایی استناد می کنند که مانع رشد فرهنگ واقعی شده اند.

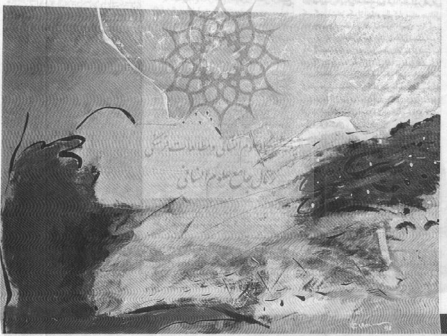
— البته وزارت فرهنگ ممکن است مانع رشد فرهنگی شود، ولی همین سخن در موارد دیگر هم صدق می کند. مثلاً در مورد بازاری که اسپتال بر آن حاکم است و بسا بازاری که رقابت در آن به نفع تولید اناری تمام می شود که ارزش هنری ندارند و یا سفارش خلق آثار هنری را در آن فقط به کسانی می دهند که فرادنی ترین قواعد را در آثار خود رعایت می کنند. این سخن در مورد بسیاری از کشورهای جهان سوم صدق می کند که در آنها حاکمان

دولت اجتماعي را که امروز وجودشان به دشواری قابل پیش بینی است، بر آورده سازند... در تمام این موارد قدرت درک مستقیم هنرمند همتاقتضی ضروری است که کارایی مدبر.

اگر بخواهیم در آینده تأثیر بگذاریم و در عین حال واقعیات را نادیده نگرفته باشیم، اگر بخواهیم بخشی از رویاهایمان تحقق یابد، در هر مورد باید به بینیم چگونه می توانیم ایده های بلند پروازانمان را با افکار عاقلانمان تلفیق کنیم، باید معادله ای برقرار کنیم بین خطری که باید به آن تن در دهیم و اشتیاق تن در ندان به خطر. البته وظایم در مقام وزیر مانع آن است که به گسار

شخصی ام برسیم، یعنی سیرم را در نقاشی دنبال کنیم ولی این انتخاب را هر کس در آغاز راه می کند، وانگهی من تنها کسی نیستم که چنین انتخابی کرده است. به عقیده من در بسیاری از کشورها هنرمندان احساس نیاز می کنند که بعضی از وقتشان را صرف چیزی جز کنار خلاصه کنند، مثلاً به کار نظریونی یا تبلیغاتی می پردازند یا در حزبی یا انجمنی از حقوق بشر دفاع می کنند یا در سازمانی برای حفظ محیط زیست گرد می آیند، حتی گاهی به کارهای تجارتنی رو می آورند و یا به هیئت حاکمه می پیوندند. من در این قبیل اقدامات گمراهی احتمالاً ناسازگیر

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران





مجموعه توریستی خواهند کرد. چنین راه‌هایی عاقلانه نیستند. این بناهای اصعب‌انگیز و محوطه‌ها متعلق به مردم مصر است که مسئولیت اخلاقی حرمت از آنها را نه تنها برای خود، بلکه برای نوزدهم بشر به عهده دارند فقط دولت مصر که عملیات پژوهش، حفاری، حفاری، و فهرست برداری را انجام می‌دهد و این گنجینه را از گزند دزدان کوچک محلی و بیخاک‌گران بزرگ بسین‌العلی مصون می‌دارد صلاحیت آن را دارد که ضروریات حرمت از محوطه‌ها را با ضروریات عرضه آنها به جهانگردان وفق دهد و تزیین دهد که جهانیان بتوانند آثار باستانی مصر را ببینند و تحسین کنند.

■ فرآیند به مسأله حفظ محوطه‌ها، بفرماندهی خط‌های خاصی آنها را تهدید می‌کند؟

— آثار باستانی مصر در خطر است، ولی تسویه داشته باشد که آثار باستانی سایر کشورهای نیز در خطر است. نه به این علت که اقدامات لازم برای حفاظتشان صورت نگرفته است. خطر از آنجا ناشی می‌شود که بهترین تکنیک‌های به کار رفته برای حفاظت آثار جنسی دارند و ما یقین نداریم بتوانیم اقدامات احتیاطی لازم را علیه آنها به عمل آوریم.

وانگهی مسأله در سطح وسیع‌تری، یعنی در سطح اکولوژیکی مطرح است. تکنولوژی‌های نمودن در بسیاری از زمینه‌ها مهندسانده ولی برای سلامت مسأله گیاهان محیط... و نیز برای سنگ‌هایی که شاهکارهای دوران باستان را با آنها خلق کرده‌اند بی‌اماندهای زیست‌محیطی دارند. گازی که از خودروها متصاعد می‌شود، بود کارخانه‌ها و تشعشعات به پیلدهای تغییرات آب و هوایی مثل افزایش و کاهش رطوبت و خشکی و فرسایش ناشی از گذر زمان اضافه می‌شود و به ترکیب سنگ‌ها و طساروت رنگ‌ها و بهداشتی دقیق فرما و احجام لطمه وارد می‌سازد.

با بعضی از پدیده‌های ناشی از فرمایش می‌توان مبارزه کرد، ولی بعضی از پدیده‌ها هستند که کنترلشان به هیچ وجه ممکن نیست. مثلاً تقلیل ارض‌های کثرت که بر اثر رقت و آمد خودروها پدید می‌آید تا حدودی امکان‌پذیر است. می‌شود این رقت و تسد را تشعشع لازم کرده محوطه‌های مهم دفن کرد. ولی چسبندگی می‌توانیم محوطه‌ها را از آفات ناشی از تریاک هوایی مصون بداریم؛ در مورد خطر آلودگی هوا هم باید بگویم که این خطر را در صورتی می‌توان خنثی کرد که مربوط به فعالیت صنعتی محلی باشد. ولی در برابر خطرهایی که از فاجعه اکولوژیکی ناشی می‌شود که در آن سوی کره خاک وی داده است چکار می‌توانیم بکنیم؟ ما در فاجعه مرتب‌دهی دخالتی نداشته‌ایم، اما بعضی پدیده‌های دامنگیر

معمولاً غیرمنتظره است؛ این دخالت محطوف رسیدن به اهداف خاصی نیست، بلکه هدف از آن ایجاد مکان‌های برخوردار، نظیر آثارهای فرهنگی، فرصت‌های برای اجرای این یا آن برنامه تلوویزیونی و عرضه نمایش‌های تئاتری، ترتیب دادن نمایشگاه‌های تفریحی، و استازار مجموعه اشعاری است که دارای اعتبار هنری باشند نه ایدئولوژیکی.

بیبید مثلاً در مصر اگر وزارت فرهنگ به هنرمندان کمک مالی نکند هیچ تولید تئاتری یا سینمایی بیرون از پایتخت، و چند شهر بزرگ صورت نمی‌گیرد. نقش ما به راستی چند برابر کردن قسرها می‌است که در چارگرفته این سرزمین در اختیار هنرمندان قرار می‌گیرد و در این حال استفاده از وسایلی که در اختیار داریم به بهترین وجه ممکن برای نشر آثار در میان مردم است.

دلیل دیگری که بر ضرورت وزارت فرهنگ در سرزمینی مانند مصر می‌توان ارائه کرد این است که در سرزمینی که گنجینه‌های باستانی‌اش چنین ابعاد عظیمی دارد به نهاد دیگری جز وزارت فرهنگ می‌تواند تالشه، مهارتها و منابع را در راه حفظ آثار باستانی تجهیز کند؟ همین مسائل در یونان، هند، چین و سایر فرهنگ‌ها وجود دارد.

وقتی سرزمینی دارای میراثی مانند اهرام، معبد کرک و... است حرمت از آنها را باید به چه نهادی سپارده؟ مؤسسات محلی که امکانات لازم را ندارند، مؤسسات چندملیتی خسار می‌دهد بی‌درنگ آنها را ضمیمه یک



ما شده است. وضع ما شبیه وضع سیزدهم است، اما کاری نمی‌توانیم بکنیم. همچنان باید در تمام جبهه‌ها پیش برویم تا بتوانیم تا جایی که ممکن است دوام آوریم.

غناي گنجینه تاریخی، هنری و معماری مصر هم بر ابعاد مسأله آفرین است، چون در هر متر مربع خاک مصر بالقوه احتمال وجود گنجینه‌های غیرقابل تصور است. در حال حاضر ۲۰۰۰ قفزه از گورهای فراتر از که دارای ارزش تاریخی‌اند شناسایی کرده‌ایم. اگر فرض کنیم که مرمت هر یک از آنها دو سال کار ببرد، حداقل باید چهار هزار سال کار صرف مرمت این ۲۰۰۰ گور کنیم. مرمت این دو هزار گور همزمان ممکن نیست، چون با امکاناتمان وفق نمی‌دهد. پس بطور می‌توان دست به این کار زده باید مثل مأموران آتش نشانی عمل کنیم که اولین انتشار خاطرشان این است که آتش جایی را که گرفتار حریق شده خاموش کنند، یعنی ما باید تلاش خود را در درجه اول صرف نجات آتاری کنیم که در خطر آنهاست. قبولش مشکل است، ولی در حال حاضر کار دیگری از دستمان بر نمی‌آید. ای کاش می‌توانستیم بیشتر و بهتر آثار باستانی را مرمت کنیم و این آثار اعجاب‌انگیزی را که مصر از ۵۰ قرن پیش طی تمدن‌های متوالی آفریده است در وضعیت بی‌عیب و نقصی به جهانیان عرضه کنیم.

■ شما گفتید که مرمت این آثار مستلزم استفاده از شیوه‌هایی است که گاه تخریب بعضی از سواد را تسریع می‌کند. ممکن است در این باره قدری توضیح بدهید؟

— برای مرمت آثار باستانی مکاتب متعددی وجود دارد. باید از داورهای کلی اجتناب کرد، فقط می‌توانیم بگویم که یک شیوه تا حدودی برای مرمت چنین سوادی سفید



بیگانه است و به هر حرم آن تجاوز می کند بزاید نظیر بابونه‌های استراحت توالتهای عمومی، آبنبار، خانه‌های مسأوران. قصد داریم راه‌های ورودی فعلی را که اسفالت‌اند به جاده‌های سنگفرش تبدیل کنیم؛ چراغها را هم برداریم و مانع هجوم بی‌رویه نشتر و اسب و گوسفند و بز به این مکان بشویم.

■ مگر همیشه وضع اهرام این طور نبوده است؟

— این هجوم مربوط به سنوات اخیر است. بیست سال پیش محوطه از شهر جیزه و محله‌های جدیدی که دور بر قاهره احداث شده است کاملاً جدا بود. وقتی دیدار کنده‌ای به محوطه اهرام می‌رسید نگاهان در سکوت جادویی اش غرق می‌شد و خود را کاملاً در روزگاران باستان می‌یافت... اما گذشتند تا ناسازترین عناصر دوران ما مخفیانه بر این فضای الهام‌های مسلط شوند. آن را بچوّه و رفته‌رفته از میان ببرد... اگر تهاجم با این شد ادامه یابد دیگر نمی‌توان اهل‌القول را از آخرین بناهای دهکده نژادالسیمان تشخیص داد.

نی‌توانیم دهکده را تخریب کنیم، ولی می‌توانیم باید مرز این محوطه را بیا کشیدم بی‌دری می‌کند که آن را از اطراف کلاً جدا می‌کنم مشخص کنیم این راه و حمل چشم‌انداز هزار ساله اهل‌القول را که بر ایدت گذرده است به او باز نمی‌گرداند. بلکه یک محیط بسته را به آن محیط بسته کمک خواهد کرد و دیدارکنندگان زیباست شکوهی محوطه را از بعضی جهات باز خواهند یافت.

■ میل دارم پرسش کثرتی درباره دوام مصالح ساختمانی اهرام و اهل‌القول طرح کنم. نمی‌دانم که هیچ چیز تا امروز نمانده است. آیا این مصالح را که بنیان قدمت دارند می‌توان تا ابد حفظ کرد؟ آیا این خطر وجود ندارد که ما در برابر عوامل غیرقابل حل قرار بگیریم؟

— من تصور نمی‌کنم که در مورد مصالح مشکلی پیش بیاید که قابل حل نباشد. البته مشکلاتی هست که چهارهائش بسیار گران تمام می‌شود. اغلب پیش می‌آید که ما خود را در محصنه و حشمتاکی می‌یابیم. مثلاً می‌بینیم مجموعه‌ای از شاهکارها نیاز به مرمت دارند اما تکنیک‌هایی که باید به این منظور مورد استفاده قرار گیرد چنان گران تمام می‌شود که با امکانات مادی‌مان نمی‌خواند. چکار می‌توانیم بکنیم؟ ناچاریم بعضی از شاهکارها را انتخاب کنیم، یعنی تصمیم بگیریم که بعضی دیگر را قربانی کنیم. این کار همیشه مایه زنج و حسرت است. فاجعه مصر این است که آنقدر چیزهای اعجاب‌انگیز در طول تاریخش آفریده‌اند



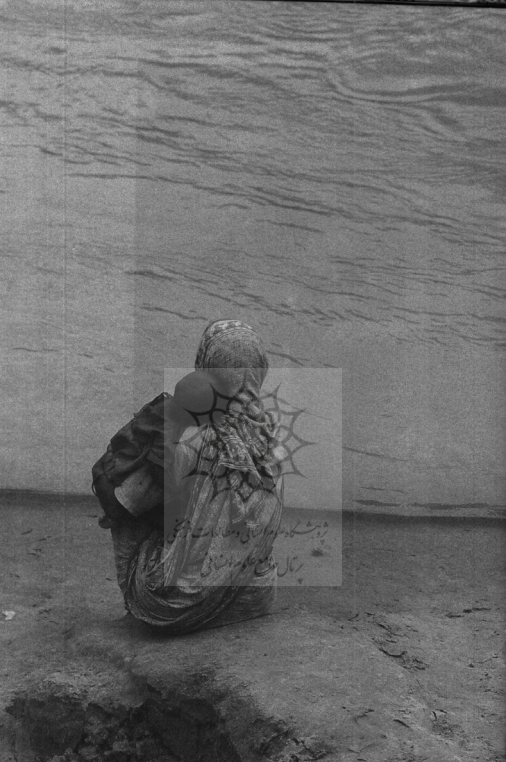
که هر کدامشان می‌تواند مایه مباحثات هر موزه‌ای در جهان شود و در حال حاضر بیشترشان در برابر چشم ما غبار می‌شوند و از میان می‌روند. البته اهرام و اهل‌القول را در صخره‌های زره‌شان را نجات خواهیم داد. اهل‌القول را در صخره‌های آهکی کنده‌اند و ناروژگار ما عمر درازی بسر آن رفته است... من به قدمت خود اهل‌القول کناری سدادم که حدود ۴۵۰۰ ساله است. منظورم قدمت صخره است که از ۵۰ میلیون سال می‌گذرد. بیکر مقرر تا زیر شش ماسدوق بود. هر دو به آن اشاره کرده است. همین موجب شده بود که از چشمها نپنهان باشد و دستخوش آسیب زسانه شود. اما از وقتی آن را از زیر خاک بیرون آورده‌اند گرفتار باد و توفان شن شده که رفته رفته آن را می‌خورند. می‌دانید اهل‌القول در دوران نوحطوس چهارم (۳۵۰۰

سال پیش) نیاز به مرمت داشت. بعد در دوران فتح روم (۲۰۰۰ سال پیش) و بالاخره در آغاز قرن حاضر. عمر آن آکنده از فراز و نشیب است. در بعضی از دورانش از اهل‌القول غفلت شده و در دورتهای دیگر به دقت تحت مراقبت قرار گرفته است. دوران ما بی‌تردید متناقصترین دورتهاست. چون هم دنیا نگران اهل‌القول است و هم اهل‌القول بر اثر تهاجم عصر جدید و جهانگردان ستایشگر گرفتار مشکلات بی‌سابقه شده است.

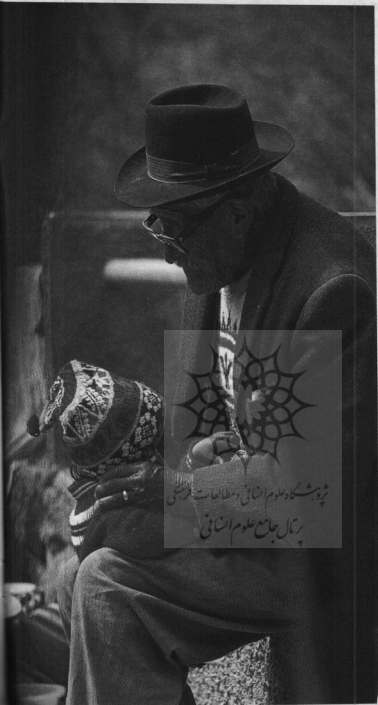
■ آیا ما وسایل لازم را برای حل این معادله متناقض داریم؟

— ما هرگز تسلیم نمی‌شویم، وسایلی را پیدا خواهیم کرد. بی‌سوسه شیوه‌ها را بهبود می‌بخشیم. جهان فقط ناسطر اقدامات ما نیست، از ما پشتیبانی می‌کند. به ویژه یونسکو که ما را از حمایتهای ارزشمند خود بی‌سوسه بهره‌مند کرده است.

ترجمه تاحید فروغان



شهرستان گناباد استان گیلان و مغانات گیلانی
رساله مجمع علما و دانشمندی



شهرتگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی